

به نام خدا



کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
Islamic Human Rights Commission
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران
www.ihrc.ir

حقوق بشر اسلامی و جامعه جهانی معاصر، از نظر تا عمل

جامعه جهانی پس از جنگ جهانی دوم به این نتیجه رسید که یکی از علل و عوامل بروز جنگ ها و بیرحمی ها در سراسر جهان، عدم رعایت حقوق انسانی است. بر همین اساس در چارچوب سازمان ملل تصمیم گرفت که اسنادی را در زمینه حقوق بشر تدوین نماید و سازوکارهای نظارتی لازم برای تضمین رعایت هنجارهای ذریبط را نیز شکل دهد. بر اساس همین رویکرد عمومی بود که طی دهه ۴۰ تا ۸۰ میلادی اسناد مختلفی در سطح بین المللی در زمینه حقوق بشر تدوین گردید و نهادهای متعددی نیز برای نظارت بر رعایت حقوق بشر فعال شدند. در این روند، جوامع اسلامی نقش چندان برجسته ای نداشتند بجز حضور نمایندگان دیپلماتیک چند کشور محدود اسلامی در مذاکرات مربوطه در سازمان ملل که اغلب نیز در حد اعتراض به برخی بندهای اسناد بین المللی یا همراهی با دیدگاههای مطرح شده از سوی مکاتب دیگر بود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ و آغاز دهه هشتاد میلادی، متغیر جدیدی در عرصه بین المللی مطرح شد که همانا دین بود. پیروان همه ادیان به ویژه مسلمانان در سراسر جهان اعتماد بنفس جدیدی پیدا کردند تا مبتنی بر نظام ارزشهای اعتقادی و حقوقی خود دیدگاههایشان را در زمینه انسان و سعادت دنیوی و اخروی او بیان دارند. متعاقب این تحول مهم در عرصه جهانی بود که هم محققان اسلامی انگیزه پیدا کردند تا به منابع اصیل دینی رجوع کنند و یافته های خود را در مورد حقوق انسان بیان دارند و هم منتقدان اسلام به تکاپو افتادند تا بزعم خود نشان دهند که اندیشه اسلامی در چه زمینه هایی با هنجارهای مورد وفاق جوامع سکولار در زمینه حقوق بشر ناهماهنگی دارد. حاصل این تحریک فکری این بود که دهها اثر علمی در زمینه حقوق بشر اسلامی یا حقوق بشر از دیدگاه اسلام یا در نقد آن منتشر شود. دهها کنفرانس علمی در این زمینه در سراسر جهان شکل گرفت و باعث شد تا در عرصه مجامع جهانی نیز طیف فکری معتقد به اندیشه اسلامی تمایز خاص خود را پیدا کند چنانچه در اجلاس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ در وین این طیف فکری مطالبات مشخصی را مطرح کرد. همین طیف فکری در اجلاس جهانی ۱۹۹۵ پکن در مورد زنان نیز دیدگاههای فکری مبتنی بر اندیشه اسلامی را ارائه نمود و مانع تصویب

برخی مطالب مخرب به کرامت انسانی زنان گردید. در عرصه سازمان ملل همین طیف فکری تلاش نمود تا در مقابل سو استفاده از آزادی بیان که در پوشش توهین به مقدسات و پیامبران الهی جلوه گر شد، بایستد و با تفکیک بین آزادی بیان و بیان تفرآمیز و توهین آمیز در سال ۱۹۹۹ پیش نویس قطعنامه ای را ارائه کند که توهین به ادیان ممنوع دانسته شده و هر ساله دبیر کل سازمان ملل نیز موظف شده تا گزارشی از اجرای قطعنامه یاد شده را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه نماید این طیف فکری در قبال برخی رفتارهای دو گانه کشورهای غربی مدعی رعایت حقوق بشر نیز بارها ایستاد و به نقد آن پرداخت چنانچه برخی رفتارهای غیر قابل قبول دولتهای غربی در منع پوشش زنان محجبه، اعمال تبعیض علیه مسلمانان، دخالت در حریم خصوصی شهروندان مسلمان در کشورهای غیر اسلامی و برخی رفتارهای غیر انسانی در سرزمین های اسلامی به ویژه فلسطین و عدم واکنش موثر برای محاکمه جنایتکاران را بارها مورد انتقاد قرار داد. بدین ترتیب، می توان گفت از دهه هشتاد میلادی به این سو جریان فکری مبتنی بر اندیشه اسلامی در زمینه حقوق انسانی، جلوه های متعددی در عرصه جهانی داشته است چنانچه در چارچوب سازمان وقت کنفرانس اسلامی سند مشخصی با عنوان اعلامیه قاهره یا حقوق بشر در اسلام نیز در سال ۱۹۹۰ تدوین و به جهانیان معرفی شد. هم چنین در روند الحاق به اسناد بین المللی حقوق بشر، تحفظ های متعدد مبتنی بر اندیشه اسلامی از سوی بسیاری از کشورهای اسلامی مطرح گردید. علیرغم این روند صعودی طرح دغدغه های طیف فکری معتقد به اندیشه اسلامی در زمینه حقوق بشر، واقعیت این است که جوامع اسلامی نتوانسته اند همپا با تحولات جهانی اثرگذاری لازم را داشته باشند. بررسی علل این عقب ماندگی یا اثر گذاری محدود، نیازمند مطالعات گسترده است ولی از باب یاد آوری می توان به برخی از آنها در یادداشت کوتاه حاضر اشاره نمود: عدم وجود اراده لازم در حکمرانان بسیاری از کشورهای اسلامی برای رعایت حقوق انسانها و عدم پابندی به موازین شرعی و قانونی در این زمینه، نبود سازمان یافتگی لازم در لایه های اجتماعی بسیاری از کشورهای اسلامی در این راستا که نهادهای مدنی مستقل و توانمند مطالبه گر رعایت حقوق انسانی از دستگاههای رسمی باشند و مقوله حقوق بشر را در ابعاد مختلف زیست انسانی پیگیری متفکرانه نمایند، نبود تجربه مناسب برای الگوبرداری در ابعاد مختلف حقوق انسانی بنحوی که یک جامعه اسلامی بتواند با رعایت ارزشهای دینی خود از مدل عینیت یافته مزبور بهره مند شود، تفرقه و جدایی کشورهای اسلامی از یکدیگر و وجود اختلافات ویرانگر فی مابین آنها بنحوی که اندیشه های رقیب براحتی از این شکافها برای انزوای دیدگاههای اسلامی بهره مند شده اند، فقدان اندیشه ورزی لازم در زمینه های مختلف حقوق انسانی در محافل علمی اسلامی آن گونه که بتوان آثار برجسته و تفصیلی مبتنی بر اندیشه اسلامی را در مقایسه با آثار بسیار متنوع تولید شده در جوامع سکولار شناسایی و مورد بهره برداری قرار داد، وجود رویکردهای شعاری و تبلیغی سطحی به مقوله حقوق بشر در بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله رسانه ها و

تربون های عمومی که همین امر باعث اتخاذ رویکردهای هیجانی و عمدتاً واکنشی نسبت به دیگر طیف های فکری در جهان شده و روند تلاش اثباتی و واقعی در زمینه حقوق بشر با رعایت هنجارهای دینی و بومی را به تعویق انداخته است ، بی تفاوتی روشنفکران کشورهای اسلامی در بهره مندی از مبانی ارزشی و بومی کشورهای اسلامی در راستای تقویت نگرش مستقل به حقوق انسانی وعدم تقلید و شیفتگی نسبت به تفاسیر اندیشمندان غربی، از جمله دلایل و عوامل عدم اثر گذاری لازم طیف فکری اسلامی در مقوله حقوق بشر چه در سطح داخلی کشورها و چه در سطح فراملی بوده است. هر یک از این موارد را باید بنحو دقیق مورد واکاوی همه جانبه قرار داد تا با شناخت دقیق ابعاد آن راهکارهای بهبود وضعیت شناسایی و مورد پیگیری قرار گیرد.

جمهوری اسلامی ایران تجربه منحصر بفردی در میان جوامع اسلامی است چرا که هم در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی شعارهای حقوق بشری و آزادیخواهانه محوریت داشته اند و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی مفاهیم مربوط به صیانت از کرامت انسانی و حقوق انسانی به شکل های مختلف و با تعبیر متنوع مورد توجه قرار گرفته اند. طی قریب به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تجربیات بسیاری در عرصه های قانونگذاری، اجرا و امور قضایی بدست آمده که در بسیاری از این تجربیات جنبه های حقوق بشری کاملاً قابل تشخیص است و می توان این تجربیات را به دیگر کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی عرضه نمود . اما روی دیگر واقعیت این است که هنوز بسیاری از آرمانهای انقلاب اسلامی و احکام حقوقی مندرج در قانون اساسی بر زمین مانده است و در عرصه های مختلف مردم نسبت به عدم رعایت کرامت و حقوق انسانی خود گلایه هایی دارند. ظاهراً طی سالهای گذشته تاکنون، مشکل مدیریت نامناسب و بی تدبیری داخلی و بوروکراسی کمر شکن در کنار فشارهای ظالمانه برخی قدرت ها برای ایجاد محدودیت در تعاملات ایران با جهان، مهم ترین علت عدم تحقق بسیاری از آرمانهای انقلاب اسلامی برای ارتقای حقوق انسانی بوده است. دولتمردان فعلی در جمهوری اسلامی در قوای سه گانه یا سایر نهادها هم اینک با حجم انبوهی از تجربیات تلخ و شیرین گذشته روبرو هستند از همین رو از آنها انتظار می رود که گام های موثرتری برای ارتقای حقوق مردم بردارند. هم چنین از مراکز فکری و علمی به ویژه حوزه های علمی انتظار می رود که برای پاسخ دهی به نیازها و پرسشهای بشر معاصر در زمینه حق های مختلف انسانی به طور همه جانبه وارد شوند و بدانند که تاخیر در این مهم به معنای تاخیر در انتخاب نوع نگرش و راه حرکت شهروندان مختلف جامعه نخواهد بود چرا که بشر کنونی به طرق مختلف و از مجاری متعدد در دسترس خود پاسخ پرسشهای خود را می یابد و بر اساس انتخاب ذهنی خود اقدام می کند. وقتی پاسخ قوی بر اساس مبانی ارزشی و بومی در دسترس او نباشد طبیعتاً مشتری سایر

اندیشه ها و تجربیات جهانی خواهد شد که این امر می تواند به بنیان های فکری و فرهنگی جامعه لطمات جبران ناپذیر وارد سازد و امنیت عمومی جامعه را با مخاطرات متعددی مواجه سازد.

روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی بهانه ای است که همه به این مسائل بیندیشیم و با خرد جمعی راهکارهای موثر در جهت بهبود امور جامعه خود و جامعه جهانی پیدا کنیم. به امید آینده بهتر جامعه بشری.

امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

مرد ۱۳۹۴۵۱۵